روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۲۸ اسفند ۱۳۹۵ • ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۸ • ۱۸ مارس ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۲۹ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۱۸:۳۲ • اذان صبح‌فردا ۴:۴۶ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

کارنامه

روحانی و صد روز پیش‌رو

نیره توکلی
جامعه‌شناس

● تعطیلات عید نوروز شروع شد؛ می‌گویند تعداد روزهای تعطیل در ایران زیاد است. میزان زیاد تعطیلی، به‌ویژه، پدیده «بین‌التعطیلین» که در دولت نهم و دهم خیلی رواج داشت و رسمیت شدیدی پیدا کرده بود، به زیان ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و آموزشی و فرهنگی است؛ وانگهی به ساختار خانواده نیز آسیب می‌زند و آمار طلاق یا آسیب‌های دیگری را که ناشی از بی‌کاری و سررفتن حوصله‌هاست، بالا ببرد؛ اما همین تعطیلات زیاد در برخی دولت‌ها که کاری بهتر از خراب‌کاری و تیشه‌زدن به ریشه اقتصاد و زندگی مردم ندارند، موهبتی است؛ مثلا همین تعطیلات زیاد در دولت‌های نهم و دهم موهبتی بود و شاید روند بسیاری از خراب‌کاری‌ها را کند می‌کرد؛ مثلا، کدام آدم عادل و منصفی است که این روزها دلش نخواهد دم‌ودستگاه دولت آقای ترامپ اصلا کار نکند و فقط تعطیل باشد. بینش و نیت دولت‌های رئیس‌جمهورهای مختلف خیلی فرق می‌کند. افرادی مثل ترامپ و احمدی‌نژاد، به محض اینکه دست می‌جنبانند و کار انجام می‌دهند یا جنگ به راه می‌افتد یا مردم دربه‌در و بی‌پناه می‌شوند یا تحریم‌ها بیشتر می‌شوند یا محیط زیست به‌شدت به خطر می‌افتد. به‌عبارت‌دیگر آنهایی که معتقدند دولت اصلاحات یا دولت اعتدال و امید کاری صورت نداده، باید بدانند که حتی اگر این کارنامه پرافتخار را هم نداشتند، دست‌کم کار ترامپی یا معجزاتی از نوع هزاره سوم هم انجام نداده‌اند. اگر برجام نبود اکنون در برابرِ جنگ‌افروزی و نژادپرستی و تمایلات فاشیستی ترامپ این‌همه حمایت فرهنگی و همدلی مردم سراسر جهان با ایرانی‌ها وجود نداشت. آن وقت جشن بره‌کشان اسرائیل و دیگر کشورهای جنگ‌افروز کامل می‌شد. تحریم دارویی و نفتی ادامه می‌یافت؛ پس امید که در این صد روز باقی‌مانده عمر دولت یازدهم، روند صلح‌طلبی و منطق و اعتدال ادامه یابد و این دولت تعطیل نشود. در عوض، کاش از همین امروز تا صدور مجوز برای تخریب چند باغ باقی‌مانده در سطح شهر و روند تخریب محیط زیست در همین‌جا پایان می‌یافت. مطالبات بسیاری مغفول مانده و انتظارات فراوانی برآورده نشده، اما آنچه با نیت و توان خود دولت انجام شده، کم نیست.

کارتون خواب

مهدی معتضدیان (دیان)
motazedian.mehdi@yahoo.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

کبوتر با کبوتر... باز با خیلی باز

پوریا عالمی

سوفیا... عشق من... چشم روی هم گذاشتی و یک سال گذشت. دیدی؟ من تا دیروز فکر می‌کردم تقصیر بابات است که نمی‌گذارد من و تو به‌هم برسیم و وضع زندگی من این است، ولی امروز متوجه شدم که بابات تقصیر ندارد، اطرافیانش خوب نیستند. حالا نکته اینجاست که اطرافیان بابات چه کسانی هستند جز خود تو؟ سوفیا... سوفیا... من یک سال زندگیم را هرروز گذاشتم پای عشق تو و تو یک سال من و احساس و زندگی‌ام را گذاشتی زیر پات. یک شاعر آمریکایی می‌گوید: «تو هم به من فکر می‌کنی؟ آن‌قدر که من به تو؟» فکرکردن بخورد توی سرت، تو اصلا توی این یک سال گذشته یک‌بار به من فکر کردی؟ یک‌بار به من سر زدی؟ نه سوفیا... من تو را به‌عنوان شغل تمام‌وقت انتخاب کرده بودم و عاشق تمام‌وقت تو بودم، اما تو چی؟ یک‌بار شد بیایی و بگویی «میدون دوم... من تو رو گذاشتم سر کار... این هم حقوق این ماهت؟» اصلا پول هیچی، حقوق هیچی، یک‌بار شد بیایی و به من بگی می‌خواهم حسابت را برسم؟ نه. هیچ‌وقت. تو نه‌تنها شغل من را از من گرفتی و بی‌کار و علافم کردی، بلکه من را تبدیل کردی به آسیب اجتماعی. چطوری؟ من تو را خیلی دوست داشتم سوفیا و همه دختران را مثل تو می‌دیدم... الان تو کاری کردی که من نه‌تنها تو را دوست ندارم، بلکه هیچ دختری را هم نمی‌توانم ببینم و حرص نخورم. تو چه کردی سوفیا؟ آیا حرف‌های تلویزیون درست بود و تو عشق مجازی بودی و من باید دنبال عشق حقیقی بگردم؟ نه سوفیا... موضوع این حرف‌ها نیست... موضوع این است که تو به من دل ندادی چون دلت را کسی دیگر برده است. کی؟ آهان. من می‌دانم، اما چه‌کار کنم؟ تو دنبال آقازاده‌ها هستی تا هم خر را سوار شوی، هم خرما را بخوری. سوفیا... من چندبار به تو توضیح دادم که من نمی‌توانم آقازاده باشم؟ نه آن‌قدر پولدار، نه آن‌قدر رانت‌خوار... نه هیچی. عزیزم آقازادگی دست من نیست. من چندبار به‌خاطر تو رفتم و با پدر و مادر خودم دعوا گرفتم که بابا چرا من را شما نزاییدی؟ چرا مامان زایید؟ کاش شما من را می‌زاییدی که من آقازاده به دنیا بیایم و آقا از دنیا بروم، نه این‌طوری که «میدون دوم» به دنیا بیایم و چون کسی دورم نچرخیده «بن‌بست» از دنیا بروم. پدرم توضیح داد: ببین میدون دوم... من همه تلاشم را کردم که تو آقازاده بشوی، منتها ما هرکاری می‌کردیم جنین در مادر شکل می‌گرفت. من خیلی زحمت کشیدم، اما نشد میدون دوم... هنوز هم نفهمیدم اینها چی‌کار می‌کنند که آقازاده می‌شوند... فرمولش را به کسی نمی‌گویند که توی آقازادگی دست زیاد نشود...، ولی تو نگران نباش شاید تو بدبخت شدی، اما یادت باشد که هر بدبختی باعث احساس خوشبختی در دیگران است.

من به پدرم گفتم: اما سوفیا چی بابا؟ پدرم گفت: سوفیا پیچ‌پیچی میدون دوم. او جای اینکه دور تو بگردد، تو را پیچانده و رفته. الان هم مجوز شرکت صادرات و واردات و انتشارات و... گرفته و قرار است چرخ اقتصاد و فرهنگ را بچرخاند.

می‌بینی سوفیا؟ این هم آخر سالی... این آخرین ستون من است که اینجا می‌نویسم سوفیا... من اصلا می‌خواستم با تو دیگر حرف نزنم و عملا با تو قهر بودم (هرچند وقتی فکر می‌کنم نمی‌فهمم کی ما با هم آشتی بودیم)، اما گفتم این ستون را بنویسم و کار را یک‌سره کنم. سوفیا... من از هیشکی شانس نیاوردم... این‌قدر تنها بودم که می‌خواستم بروم سگ و گربه بیاورم، اما وقتی به یک سال گذشته فکر می‌کنم می‌بینم من با چه‌کسی بیشتر از بابای تو احساس نزدیکی کرده‌ام؟ چه‌کسی این‌قدر توانسته من را درک کند؟ چه‌کسی مدام نگران من بوده؟ من ابتدا به تو حالت ازدواج داشتم سوفیا، اما الان به تو هیچ احساسی ندارم و به بابات حالت محبت خاصی پیدا کرده‌ام. من با بابات صحبت کرده‌ام سوفیا... قرار است دوتا کوله‌پشتی بیندازیم پشتمان و دوتایی بزنیم به جاده و در افق گم شویم... نگران نباش سوفیا... ما وقتی به افق رسیدیم بهت تکست می‌دهیم و عکسی با زاویه افق بدنمان برات می‌فرستیم... راستی ما افسرده‌ایم و آدم وقتی به آخر خط می‌رسد یا خودکشی می‌کند یا کاندیدا می‌شود و دیگران را به کشتن می‌دهد یا کاری می‌کند دیگران دوستش داشته باشند که براش بمیرند... خلاصه هرطور حساب کنی بعید نیست من و بابای سوفیا کاندیدای مجلس بشویم. البته دوتایی. چون ما الان دیگر گروپ زده‌ایم و همه می‌دانند هر حزبی در ابتدا یک گروپ بوده است. منتظر ما باش سوفیا... من و بابات دوتایی با حزب گروپ‌گروپ به میدان خواهیم آمد. عاشق سابق تو و همسفر جدی بابای تو؛ میدون دوم.

●●●

سلام! خوانندگان عزیز روزنامه «شرق» و ستون‌های این قلم در صفحه آخر روزنامه، این هم از پایان تراژیک یا مدرن. ما نمی‌دانیم میدون دوم. خوشحالم که میدون دوم و سوفیا و بابای سوفیا را دوست داشتید. متأسفم که این دوتا به‌هم نرسیدند. چون از قدیم گفته‌اند کبوتر با کبوتر، باز با باز که همان‌طور که معلوم است سوفیا کبوتر است و بابای سوفیا بازنشسته است و میدون دوم که کاملا باز است (باز به معنی باز نه، بلکه یعنی غیراسیدی است).

خلاصه این آخرین ماجراهای عشق‌وعاشقی میدون دوم بود که مدام حالت ازدواج داشت و مسئولان دراین‌باره مسئولیتی نمی‌پذیرفتند. میدون دوم و بابای سوفیا (و البته سوفیا) را به خدای بزرگ می‌سپاریم و سال دیگر با حالت دیگری در همین صفحه در خدمت خواهیم بود و خدمت مسئولان خواهیم رسید. ممنونم که من را می‌خوانید. دوستتان دارم. نوروز ۹۶ مبارک.

توصیه های آخر

۱- نقشه جاده‌های فرعی را از طریق نرم‌افزارهای به‌روزشده چک کنید تا در طول راه با تغییرات جدیدی مواجه و سردرگم نشوید. نرم‌افزار ۱۴۱ و ایران‌مپ آپدیت‌شده را توصیه می‌کنند.

۲- نوروز ۹۶ احتمالا سردتر باشد. راهنمای وسایل لازم در ماشین را در گوگل جست‌وجو کنید.

۳- در سفر، عادات غذایی را رعایت کنید، این‌طور نه مسموم می‌شوید و نه کم‌غذا می‌مانید.

۴-آدرس و فهرست موزه‌های مردم‌شناسی در سایت سازمان میراث فرهنگی یادتان نرود.

۵- در حاشیه جاده‌ها و مسیر رودخانه‌های خشک نمانید؛ نوروز سال قبل، این رفتار غلط، بیش از صد مجروح و چند کشته برجا گذاشته است.

۶- چندان به کانال‌های تلگرامی فروش بلیت اعتماد نکنید، بلیت‌ها را فقط از مراکز رسمی بخرید.

۷- خرابی کارت عابربانک خود را خیلی سریع به سامانه بانکی‌تان پیامک کنید.

۸- به نظر می‌رسد نوروز امسال، ایرانی‌ها بیشتر در داخل کشور سفر کنند، پس خیلی به خلوتی مقاصد گردشگری‌تان اعتماد نکنید و حتما پیش از سفر، برای جای خواب هماهنگی‌های لازم را انجام دهید.

به بهانه تبلیغ «سال ۱۳۹۷ مبارک»

«از خواستن تا رسیدن»

تبریک سال ۱۳۹۷ و "خواستن تا رسیدن" شاه بیت تبلیغات محیطی بانک ملت می باشد، که این روزها در عرصه شهر خودنمایی می کند، ایده و هدف از تبریک سال ۱۳۹۷، جلب نظر و توجه عمیق مردم به این نکته کلیدی می باشد که زمانی سال ۱۳۹۶ مبارک و میمون است که اهداف و برنامه های مدون شده در این سال به بار نشیند، نوشتار ذیل در نظر دارد تا به این بهانه به شکل مجملی به مقوله مهم برنامه ریزی و آینده اندیشی برای نیل به اهداف بپردازد.

همه ی ما در زندگی اهداف کوچک و بزرگ، آرزوها و امیدهای زیادی برای آینده داریم و تمام تلاش مان را در راه رسیدن به آن ها به کار میگیریم. گذشته دیگر در دسترس نیست و هیچ تغییری را بر نمی تابد، بر روی خط یک سویهٔ زمان، حال نیز رمنده و گریزپا برای پیوستن به گذشته شتاب می کند، آینده تنها فرصت ما برای کنش‌گری و خلق شرایط دلخواه است؛ جایی که باید باقی مانده‌ی عمرمان را با آن و در آن سپری کنیم. عرصه‌ای بی‌منتها که فرصت‌های طلایی و تهدیدهای بنیان‌برانداز در گوشه، گوشه‌ی آن کمین کرده‌اند. برای معماری و طراحی این فرداها چه ابزارهایی در اختیار داریم. آیا به راستی افراد، سازمان‌ها و جوامع می‌توانند فردایی مطلوب را از دل آرمان‌ها و رویاها بیرون کشیده و به دنیای واقعیت پیوند بزنند؟

اغلب افراد دچار سندرم سال جدید می شوند به این معنا که بیشتر مردم در روز سال نو برای این که شروع تازه ای داشته باشند، اهدافی برای خود تعیین می کنند. بر اساس تحقیقی که توسط دانشگاه اسکرانتون (واقع در پنسیلوانیای آمریکا) صورت گرفته، تنها ۸٪ مردم به اهدافی که در روز سال نو تعیین کرده اند، می رسند. واضح است که ۹۲٪ دیگر در این راه شکست می خورند. دلیل این است که نمی توان امید به تحقق پیدا کردن هدفی داشت که به درستی تعیین نمی شود. باید به دقت شرایط را بررسی کرد و سپس برنامه ریزی درستی تنظیم کرد. احتمالاً به همین دلیل است که ۳۴٪ مردم، یک ماه بعد از آغاز سال نو از تحقق یافتن اهداف شان نا امید می شوند و پس از ۶ ماه، ۵۴٪ از مسیر خارج شده و تسلیم ناکامی می گردند.

ما پیش از این، شاید چندصد سال قبل، جامعه‌ای بودیم که نگاه آینده‌گرا داشتیم و به دیدگاه پیشرومحور اهمیت می‌دادیم؛ مثلا داستان‌هایی مثل سیمرغ و سی مرغ، طوقی و دوستان و حتی خیلی از داستان‌های مولانا و منطق‌الطیر و خیلی از امثال‌وحکم موجود در ادبیات شفاهی و مکتوب ما که نگاه به آینده در آنها موج می‌زند، اما طی دهه‌ها و سده‌های اخیر از این نگاه فاصله گرفتیم. اهمیت برنامه ریزی و آینده اندیشی برای یک کشور، استان، سازمان و حتی یک فرد برای کسی پوشیده نیست و می توان گفت اگر برنامه ریزی درست تمام موفقیت نباشد، حداقل می توان سهم بزرگی در موفقیت و کامیابی برای آن در نظر گرفت. این مهم چه به لحاظ لزوم وجود آن و نیز فواید آن در دین مبین اسلام نیز به کرّات مورد تاکید ائمه اطهار و پیامبر گرامی اسلام بوده است؛ پیامبر اعظم(ص) به ابن مسعود می فرمایند: هرگاه کاری را انجام دادی، از روی علم و عقل انجام بده و بر حذر باش از اینکه کاری را بدون برنامه ریزی و آگاهی انجام دهی. همچنین امیرکلام می فرماید: اندیشمند کسی است که امروز با حسن تدبیر در اندیشه‌ی فردای خویش است، آن چه فردا پیش رو دارد، امروز می‌بیند؛ و یا در گفتاری دیگر فرموده اند: برنامه ریزی و آینده نگری قبل از شروع کار تو را از پشیمانی ایمن می سازد. پیتر دراکر اندیشمند فقید مدیریت بیان می دارد: اقدام بدون برنامه ریزی دلیل هر شکستی است. سارتر نیز معتقد است هرانسانی، خود آینده خویش را میسازد و باید مسئولیت کامل آنچه را می آفریند، بپذیرد. شما آزاد هستید، آزادید که انتخاب کنید، یعنی بیافرینید و خلق کنید. سارتر معتقد بود که نمی توان آینده را پیش بینی کرد، بلکه میتوان آن را "خلق" کرد. و از آنجا که آینده متعلق به همه ماست، حق داریم تا در شکل دادن به آن مشارکت داشته باشیم.

اما برنامه ریزی و آینده نگری چیست؟ و چه دستاوردی برای ما دارد؟ برنامه ریزی؛ گرایش و خواست انسان به آینده، حل مشکلات در آینده، آینده بینی و امید به آینده است (Faludi,۱۹۷۰) در خصوص برنامه ریزی برای آینده دو پارادایم کلی اکتشافی و هنجاری وجود دارد که هر کدام از این پارادایم ها نگاه خاصی به مفهوم آینده و نحوه رسیدن به آن دارند(Twisis,۱۹۹۲).

◆ **پارادایم اکتشافی:** در این پارادایم آینده نتیجه علی و معلولی گذشته است و نوعی جبرگرایی پنهان در آن وجود دارد. نتیجه این نگاه به آینده، آینده ای است محتوم و ثابت که تاریخ مطابق با قوانین خود، حال را به آن آینده تبدیل خواهد کرد در این پارادایم انسان صرفاً ناظر بیرونی است که تنها می تواند به اکتشاف آن آینده محتوم بپردازد این پارادایم مبتنی بر پیش بینی است و اکتشاف آینده تنها نتیجه منطقی آن است. مثلاً «میزان صادرات غیرنفتی ایران در ۲۰ سال آینده چقدر خواهد بود؟» که عمدتا مبتنی بر تحلیل روندهای گذشته و ادامه آنها در سال های آتی است (ناظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳-۱۲) و(Twisis,۱۹۹۲).

◆ **پارادایم هنجاری:** در این پارادایم نیروی انسان در ساخت آینده در نظر گرفته می شود و انسان جایگاه بیرونی و مشاهده گر خود را تغییر داده و با مفهوم ساخت آینده روبروست در این پارادایم انسان با طیف وسیعی از آینده ها شامل آینده های ممکن، آینده های محتمل و آینده های باور کردنی روبروست که رسیدن به هر کدام از آنها بستگی به سطح و کیفیت خواسته انسان یعنی آینده مطلوب وی دارد در این پارادایم برخلاف پارادایم اکتشافی، جبرگرایی پنهان وجود ندارد بلکه انسان کاملا مختار است مسیر زندگی خود را خود انتخاب کند در این پارادایم انسان با سه سوال اساسی روبروست: «وقوع کدام آینده ها ممکن است»، «وقوع کدام آینده محتمل است» و «وقوع کدام آینده ها مطلوب است»(ناظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳-۱۲) و(Twisis,۱۹۹۲).

اگر برنامه ریزی را حرکتی برای رسیدن به یک نقطه مطلوب و آمادگی برای حل مسائل و مشکلات دنیای جدید بدانیم پس باید فرآیند انجام آن نیز متناسب با شرایط دنیای جدید مورد بازنگری و ترسیم مجدد قرار گیرد. در شرایط کنونی، فرآیند برنامه ریزی خطی مبتنی بر پیش بینی نمی تواند جوابگوی نیازهای برنامه ریزی در جهان پر از تحول کنونی و آینده باشد. باید طرحی نو درانداخت و برای رسیدن به هر آن چه که قلب تان می خواهد گام هایی برای تعیین اهداف هوشمندانه و متشکل از چند قدم به شرح برداشت:

۱- ویژگی های هدفتان را به دقت مشخص کنید: باید از قابل اندازه گیری بودن هدف تان مطمئن شوید تا بتوانید پیشرفت تان را تحت کنترل داشته باشید و نیز باید تمام جزئیات مسیر رسیدن به آن را مشخص کنید. بطور مثال تصمیم می گیرید که طی ۱۲ ماه آینده ۶۰ میلیون واحد پول سرمایه ی خالص داشته باشید؛ از این رو باید ۵میلیون واحد پول ماهانه از طریق یک کسب و کار خدماتی یا هر کار دیگری بدست بیاورید. این هدف خوب است اما باید در جوانب آن ریزتر شوید. زمانی که به ریز یک هدف دقت می کنید در واقع آن را از حالت خیالی به واقعی تبدیل کرده اید. برای این کار باید آن را بنویسید. چه چیزی را می خواهید بدست بیاورید؟ زندگی شما بعد از رسیدن به آن هدف به چه شکل خواهد شد؟ دوستان تان چه کسانی خواهند بود؟ در طول روز چه کارهایی خواهید کرد؟ چه عاداتی خواهید داشت؟ چه ساعتی از خواب بیدار خواهید شد؟باید هدف و زندگی تان را با جزئیاتش کاملا توصیف کنید.

۲- معنادار بودن اهداف، نکته ی کلیدی فرایند است: قطعا برای اهدافی که معنی خاصی برای شما دارند بیش تر تلاش می کنید تا اهدافی که سطحی باشند. باید بدانید که صرف خواستن چیزی بدست نمی آورید مگر اینکه برای شما خیلی با ارزش باشد. از خود بپرسید چرا همیشه این ها را خواسته اید؟ دقایقی را به نوشتن دلایل هدف تان اختصاص دهید. عمیقا فکر کنید. هدف شما باید چیزی باشد که شما حاضرید همه چیز را برای آن قربانی کنید.

۳- هدفی را انتخاب کنید که دست یافتنی باشند: زمانی که اهداف دست یافتنی برای خود تعیین می کنید و آن ها تحقق می یابند؛ گویی سوخت لازم که همان شور و شوق برای ادامه ی مسیر و رسیدن به اهداف بزرگ تر دیگر است را بدست آورده اید. به دنبال اهدافی بگردید که بزرگ هستند اما دست یافتنی. اهداف کوتاه مدتی مثلا ۱۲ ماهه تعیین کنید تا سنگ محکی باشند برای اهداف بزرگ تر.

۴- همرنگ وجودتان باشند: اهداف تان چقدر با عقاید و ارزش های شما تطابق دارند؟ چقدر با شخصیت شما هماهنگ اند؟ آیا کاملا خلاف اخلاقیات شما هستند؟ احتمال دست یابی به هدفی که خلاف عقاید تان باشد، کم است. چگونه می توانید اهداف مطابق با خودتان را انتخاب کنید؟ یک راه این است که هر چه برایتان ارزش دارد را روی کاغذ بیاورید. مثلا اگر صداقت برای شما مهم است و فکر شما این باشد که همه ی پولدارها با دروغ یا فریب پول در می آورند؛ ثروتمند شدن برای شما سخت می شود. عقایدتان را به روی کاغذ بنویسید. سپس اهداف تان را مطابق با آن تعیین کنید. با این کار آسان تر به آن چه می خواهید می رسید.

۵- مهلت زمانی دهید: چه زمانی می خواهید به این هدف برسید؟ مثلا نگویید می خواهم در آینده یا چند سال آینده موفق شوم. اگر واقعا می خواهید به هدف تان برسید، تقویم را بردارید و تاریخی برای آن تعیین کنید. روز خاصی را برای هدف تان تعیین کنید. اهدافی دست یافتنی هستند که مشخص و معین باشند. زمانی که تاریخی برای هدف تان مشخص می کنید؛ می توانید آن را به ماه یا هفته ها تقسیم کنید. از این طریق می توانید فرایند پیشرفت تان را در کنترل داشته باشید.

۶- پیشرفت تان را در طول مسیر ارزیابی کنید: زمانی که اهداف محدودیت زمانی داشته باشند قابل بررسی و ارزیابی نیز خواهند بود. هر چه دقیق تر پیشرفت تان را محاسبه کنید، سریع تر به هدف تان می رسید. برای این کار سیستمی اتخاد کرده و هر روز آن را اجرا کنید. زمانی که مسیر طی شده یا پیش روی تان را ارزیابی کنید، هرگز به عادات بد قدیمی باز نمی گردید. هر روزتان را برنامه ریزی کنید تا در طولانی مدت به اهداف تان دست یابید.

۷- رویکردتان را بازبینی کنید: اگر پس از ارزیابی پیشرفت تان، متوجه دور شدن از هدف تان شدید، رویکردتان را بازبینی و اصلاح کنید. اگر روزانه پیشرفت تان را چک نکنید ممکن است اشتباهاتی که قبلا نادیده گرفته شده را نبینید و در رسیدن به هدف تان شکست بخورید.

اهداف ما خیلی به سفر هواپیما شباهت دارند. ما نیز برای رسیدن به اهداف مان باید مقصد را به خوبی مشخص کنیم. سپس به یک نقشه نیاز داریم و اقدامات لازم و اصلاح رویکرد در مسیری که طی می کنیم. به نظر آسان است اما در عمل مشکل می شود. پس می توان اینگونه نتیجه گرفت که سال ۱۳۹۶ زمانی مبارک خواهد بود که اهداف و برنامه های هوشمندانه ای تدوین، اجرا و پایش نمائیم، و همینک با این امید و با صدای رسا بیان می داریم سال ۱۳۹۷ مبارک باد.